



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)
شهرستان آبادان

مقاله درسی سطح ۲

تعریف فرهنگ و عناصر فرهنگی از دیدگاه اسلام و غرب

استاد راهنما:

سرکار خانم عموری

گردآورندگان:

گروه مشکات

زهرا بچاری، معصومه سلطان احمدی، زینب کعبی
امل عیدانی، سیده خدیجه موسوی، فاطمه عبدی پور

زمستان ۹۳





جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)
شهرستان آبادان

مقاله درسی سطح ۲

تعریف فرهنگ و عناصر فرهنگی از دیدگاه اسلام و غرب

استاد راهنما:

سرکار خانم عموری

گردآورندگان:

گروه مشکات

زهرا بجاری، معصومه سلطان احمدی، زینب کعبی
امل عیدانی، سیده خدیجه موسوی، فاطمه عبدی پور

زمستان ۹۳

تقدیم به:

شهید امر به معروف و نهی از منکر

شهید علی خلیلی

باشد که پیرو راستین ایشان باشیم.

تقدیر و تشکر:

**با سپاس فراوان از واحد پژوهش حوزه‌ی علمیه‌ی فاطمه زهرا (سلام‌الله
علیها)، که در تمامی مراحل تحقیق، صبورانه در کنار ما و پاسخگوی
سؤالاتمان بودند.**

ورفتار انسان چه در سطح خرد و چه در سطح کلان مشمول حلال و حرام الهی است و باید در چارچوب ارزش های دینی قرار گیرد.

وبالاخره لیبرالیسم که معتقد به اصالت دلخواه است در برابر اصالت حق و عدل و عبودیت خدا قرار دارد. مقتضای لیبرالیسم آن است که حق، عدل را تا آنجا محترم بشماریم که مخالفت با آن موجب بحران در اجتماع بشود، اما اگر موجب بحران نشد، هر کسی می تواند به فکر منفعت خودش باشد، می گویند مروت و انصاف مفاهیمی هستند که بشر، از روی ضعف به آنها روی آورده است. اگر توانایی داری هر کاری را که می خواهی انجام بده، مگر آن که احساس کنی که این آزادی موجب بحران اجتماعی می شود و چون آفت آن متوجه خودت نیز می شود باید محدود گردد و خلاصه تو آزادی حتی از اطاعت خداوند.

برخلاف این نظر و در فرهنگ اسلامی رعایت حق و عدالت یک اصل اساسی است که به هیچ روی نمی توان آن را نادیده گرفت و رعایت انصاف و عدالت در کلیه ی رفتارها و تعاملات اجتماعی مورد اهتمام جدی دین است و همینطور رعایت حق در هر شرایطی، اعم از آن که کسی متوجه رعایت حق یا زیر پا نهادن آن بشود یا نشود و نیز اعم از این که رعایت حق به سود خود انسان شود و یا به ضرر او، ضروری است. و مهمترین حق، حق خدا بر انسان است و آدمی موظف است آنچه را مقتضای بندگی خداست، یعنی عمل طبق احکام و مقررات الهی و در چارچوب ارزش های اسلامی، رعایت نماید و در واقع بزرگترین افتخار انسان همین بندگی و عبودیت و اطاعت خداست.

به غیر از این سه رکن، عناصر دیگری هم در فرهنگ غربی موجود است که یا عمومیت و یا اصالت ندارد که مهمترین آن «پوزیتیویسم اخلاقی» است. یعنی ارزش های اخلاقی تابع خواست و سلیقه ی مردم است و واقعیتی ندارد. اگر امروز یک چیزی را پسندیدند و از آن خوششان آمد و به آن رأی دادند، می شود ارزش اما اگر فردا آن را نخواستند و رد کردند، ضد ارزش می شود. به طور مثال، در جامعه ای که تا چندی پیش زشت ترین کارها همجنس گرایی بود، امروز همان، ارزش می شود. درباره ی آن فلسفه و ادبیات جذابی ارائه می گردد و انجمن های رسمی

تشکیل می شود که شخصیت های مهم کشور، از وزراء و وکلا عضو این انجمن ها هستند! چرا؟ چون سلیقه های مردم عوض شده است، تاکنون سلیقه ی آن ها این بود که باجنس موافق زندگی کنند! ازدواج «مرد با مرد» و «زن با زن» را به طور قانونی در دفتر شهرداری ثبت می کنند!! این طرز فکر «پوزیتیویسم اخلاقی» نامیده شده است که در آن ارزش های اخلاقی واقعیت عقلانی ندارد و تابع خواست ها، سلیقه ها و آراء مردم هستند. هر چه را امروز مردم گفتند خوب است، خوب می شود و اگر فردا گفتند بد است ، بد می شود.

در هر حال ناسازگاری این نگرش، با فرهنگ اسلامی که ارزش های دینی را تابع یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی و نه تابع میل و پسند افراد می داند کاملاً آشکار است.^۱

نتیجه:

حاصل مقایسه‌ی فرهنگ و عناصر فرهنگی اسلام و غرب، مشخص شدن انحرافات بنیادی فرهنگ غرب و انحطاط فرهنگی جوامع غربی است. لازم به ذکر است با عنایت به این که فرهنگ غربی برآمده از دستورات الهی نمی‌باشد، نمی‌تواند در راه انسان‌سازی و اداره‌ی جامعه، به حکومت‌ها کمک کند. استقرار سایه‌ی نظم و مقررات نسبی موجود در جوامع فعلی غربی نیز، بادر نظر گرفتن بی‌کفایتی کلیساها و حاکمان دینی در زمان قرون وسطی و به منظور پرکردن خلأ آموزه‌های دینی، با رجوع به فطرت انسان و مطالعه در رفتارهای فطری آن محقق گردیده است.

همانگونه که در حکومت‌های غربی مشاهده می‌شود، با پیشرفت روزافزون جوامع و عدم توان فرهنگ خودنوشتنی غربی در مدیریت و کنترل آن جامعه‌ها و برآوردن نیازهای فطری، تکوینی و ایدئولوژیک آن‌ها، مردم دو راه را پیش می‌گیرند؛ یک مسیر که به انحطاط و رسیدن به خوی حیوانی و بلکه پست‌تر از آن است و مسیر دوم، پیدا کردن راه روشن دین‌داری و انتخاب آیین خداپرستی حقیقی و رجوع به اصالت انسانی و عبودیت است. در همین راستا حکومت‌ها و سرمداران مکاتب غربی، در پی ضربه زدن به مبانی و عناصر فرهنگی اسلامی می‌باشند تا هرچه بیشتر آن را ناکارآمد و بدون توانایی در اداره جوامع بشری نشان دهند. بنابراین جوامع اسلامی که خود دارنده‌ی فرهنگ انسان‌ساز و ناب برپایه‌ی فطرت بشری می‌باشند مسیر سختی را برای حفظ و توسعه‌ی این فرهنگ ناب در پیش رو دارند.

راهکار:

باتوجه به توضیحات داده شده در خصوص فرهنگ اسلامی و لزوم توسعه و نگهداری از ارکان ناب آن فرهنگ،

موارد ذیل پیشنهاد می گردد:

- تعیین نقاطی که فرهنگ اسلامی مورد هجوم مکاتب غربی قرار می گیرد.
 - عناصر سه گانه فرهنگ:
 - بینش ها و باورها
 - ارزش ها و گرایش ها
 - رفتارها و کردارها
 - حوزه های علمیه
 - مدارس، دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی
- آماده سازی جوامع در مقابله با هجمه ی فرهنگی غرب
 - نقش فرهیختگان، حوزویان و دانشگاهیان
 - نقش عموم مردم
 - بسیج عمومی و آموزش دینی
 - احیاء جلسات مذهبی و جهت دار شدن هیئات
 - تبیین نقش جوانان در مقابله با این هجمه و برگرداندن اصالت آن ها بوسیله ی اهمیت دادن به آن ها و اعطاء فرصت ایفاء نقش در این زمینه

فهرست منابع:

*قرآن کریم

۱. تقوی، سید رضا، تأملات فرهنگی، نشر نخیل، چاپ پنجم، ۱۳۸۷
۲. جعفری، محمد تقی، فرهنگ پیر و فرهنگ پیشرو، مؤسسه‌ی تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ سوم ۱۳۸۶
۳. کریمی، مرزبان، درباره‌ی فرهنگ، شرکت نرم‌افزاری سینا، اول ۱۳۸۵
۴. محمدی، سید بیوک – مؤید حکمت، ناهید، بررسی واکنش‌های ایرانیان به عناصر فرهنگ غربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول، بهار و تابستان ۹۲
۵. مصباح یزدی، محمدتقی، تهاجم فرهنگی، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سرّه الشریف)، ۱۳۷۶
۶. مصباح یزدی، محمدتقی، مقاله جوانان، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سرّه الشریف)، چاپ هشتم، زمستان ۱۳۹۱
۷. ناظمی اردکانی، محمد، مقاله مبانی مهندسی و مدیریت فرهنگی سازمان‌ها، نشر راهبرد یاس، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۸

۸. <http://www.khamenei.ir>

۹. <http://www.rasekhoon.net>